



روایت دکترعباس زریاب‌خوئی از سال‌ها شاگردی در محضر امام(ره)

عالم ممتاز و یگانه

مرحوم دکترعباس زریاب خویی یکی از اندیشمندان بزرگ دوره ما بود. او در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی همچون ادبیات فارسی، تاریخ، فلسفه و کلام، تألیف و ترجمه‌های عالمانه‌ای از خود برجای گذاشته است. او تحصیلات مقدّماتی را در خوی گذراند. در ۱۳۱۶ خورشیدی، زریاب خویی به همراه یکی از طلاب به نام شیخ صادق فراحی که بعدها روحانی تراز اول خوی شد، برای ادامه تحصیل به قم رفت و در آنجا در مدرسه جانی خان یا مدرسه ناصری ساکن شد تا اینکه بعدها به مدرسه فیضیه منتقل شد.

زریاب در قم نزد شیخ صادق فراحی مقداری از شرح لمعه را خواند، سپس رسالت و قسمتی از مکاسب را در محضر آقا سید محمد یزدی معروف به محقق داماد فرا گرفت. زریاب در فلسفه شاگرد امام خمینی^(ع) بود که آن زمان در حوزه به نام «حاج آقا روح…» شهرت داشتند و یگانه مدرس فلسفه در آنجا بودند. او داستان آشنایی با امام خمینی^(ع) را به رشته تحریر درآورده است. در ادامه، بخشی از زندگی نامه خودنوشت دکتر عباس زریاب خویی را که به همین ماجرا اشاره دارد، بخوانید.
... روزی نزدیک غروب، در مدرسه فیضیه بودم و طلاب مشغول وضو گرفتن از حوض مدرسه بودند. زیلوهای مقابل مدرسه را پهن کرده بودند و مؤمنان و نمازگزاران در انتظار آمدن مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری، یکی از سه مجتهد و مرجع بزرگ قم پس از فوت مرحوم حاج شیخ عبد‌الکریم جازری یزدی بودند. ناگهان دیدم که سید بلندقد خوش سیمایی با قار و تمام مشغول وضو گرفتن است و طلاب به چشم احترام و تعظیم به او می‌نگرند. لباس مرتب و ریشی کوتاه و چشمانی نافذ داشت. چون وضویش تمام شد، حاج شیخ صادق به او نزدیک شد و سلام کرده و با هم روبرویی کردند و کمی صحبت کردند. پس از آنکه از هم جدا شدند، من از حاج شیخ صادق نام آن سید روحانی را پرسیدم او گفت: «اوحاج آقا روح…» خمینی، معلم و استاد فلسفه من است و من روزها پس از درس فقه آقا سید محمد حجت کوکهری در درس اسفار او که در مدرسه دارالشفامنعقد می‌گردد، حاضر می‌شوم. این اولین بار بود که من آقای خمینی را می‌دیدم. ایشان در آن وقت یعنی در سال ۱۳۱۶ خورشیدی از مدرّسین فاضل و بنام حوزه قم بود و یا آنکه جوان بود و در حدود سی و شش سال داشت. مورد تعظیم و احترام همگان بود. مصرها در جهت دو ساعت به غروب مانده به مدرسه فیضیه می‌آمد و در ضلع جنوبی مدرسه در جلویکی از حجرات می‌نشست و با فضایی درجه اول حوزه مانند مرحوم سید محمد یزدی معروف به داماد و مرحوم شیخ حسن نوبسی و مرحوم فاضل لنکرانی به بحث و جدال در مسائل فقهی و اصولی می‌پرداخت و گاهی یعنی خیلی به ندرت تند می‌شد و صدای خود را بلند می‌کرد. چنان که فضای مدرسه از صدای او پر می‌شد. چنان‌که گفتیم: این گونه موارد بسیار نادر بود و او غالباً در مباحثات خونسرد و مسلط بود و حریف را با براهین و ادله منطقی به سکوت یا اعتراف وادار می‌کرد. تحمل و تسلط او بر نفس معروف بود و با وقار و جاذبه شخصی خود، همه را به احترام او می‌داشت و همه او را به تفوق در فضل و تقید به ظاهر و اصول اخلاقی می‌ستودند. به همین جهت این حسن اعتقاد همگان به من نیز سرایت کرد و من آرزوی کردم که اطلاعات و تحصیلات من روزی مرا موفق به حضور در درس او بکند.

در آغاز سال ۱۳۱۸ از بعضی از طلاب شنیدم که آقای حاج آقا روح...

خمینی درس شرح منظومه حاج ملاهادی را آغاز خواهد کرد. من که در انتظار چنین فرصتی بودم، با شور و شوق تمام در درس او که به مدرسه دارالشفامنعقد می‌شد، حاضر شدم و به انتظار با پایان دادم. او درس را به جای آنکه از آغاز کتاب شروع کند، از طبیعیات شروع کرد و استدلال او برای این کار، روش معلم اول یا رسطو بود که الاهیات را پس از طبیعیات قرار داده بود و به همین جهت الاهیات را مابعد الطبیعه نامیده بود.

روش تدریس او بر خلاف استادان دیگر بود، یعنی هرگز مطالب را با جملات و عبارات کتاب تطبیق نمی‌کرد، بلکه پس از آنکه یکی دو جمله از متن کتاب می‌خواند، شروع می‌کرد به تقریر درس از خارج با بیانی که پر از شور و هیجان بود و این هیجان گاهی چنان قوت می‌گرفت که صدایش را بلند می‌کرد و جلسه درس به جلسه خطابه و تذکیر بدل می‌شد. او می‌خواست در ضمن تشریح مطالب فلسفی به مسائل اخلاقی و اجتماعی، دینی بپردازد و این دو مقصود را چنان استاندارد با هم می‌آمیخت که انسان نمی‌توانست موضوع درس را از بحث دینی اخلاقی او جدا بداند و این امر تأثیر شدیدی در مغز و روح متعلمان به جای می‌گذاشت و شخص هنگام خروج از جلسه درس، حالتی روحی و عرفانی و سرشار از اندیشه عمیق دینی در خود احساس می‌کرد که شاید تا یکی دو ساعت دوام داشت.

او خود سرشار از این کیفیت عرفانی، دینی، فلسفی بود. او برای خود جهانی از اندیشه معنوی دینی ساخته بود که عناصر تشکیل دهنده آن مذهب شیعه اثناعشری، افکار نوافلاطونی منطوی در فلسفه اشراق، عرفان محی الدین عربی و حکمت متعالیه ملاصدرا بود. او این عناصر را عمیق تر و ذاتی تر از اسلاف خود در خود پیوند داده بود و شکل متعادل و منسجم و هماهنگی به وجود آورده بود که می‌توان آن را به یک سمفونی تشبیه کرد. استادان او در فلسفه و عرفان آقایان سیدابوالحسن رفیعی قزوینی و میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بودند اما از لحاظ ترکیب مواد و مصالح و تعالی آن به صورت بالاتر از همه برتر بود و هیچ کدام با او از این جهت (نه از جهت تبحر و توغل در جزئیات مسائل) قابل مقایسه نبودند.

از کتاب‌هایی که در آن زمان با دقت تمام خواندم، علم الاجتماع نقولا حداد و جمهوریت افلاطون ترجمه عربی حنّا خباز و کتاب الإبطال کار لیل و کتاب اصول الشرائع بنام ترجمه فتحی زغلول و ترجمه عربی کتاب‌های گوستاو لوبون و کتاب‌های روان شناسی سلامه موسی و مرسی قندیل و کتاب اصل الانواع داروین (ترجمه عربی آن) بود. چند کتاب هم در تاریخ فلسفه جدید به عربی خواندم. کتاب الازد علی المنطقیین ابن تیمیه و کتاب‌های شیخ محمد عبده و شاگردش محمد رشید رضا را نیز در میان اوقات مدرسه فیضیه خواندم. علاوه بر آن به تنهایی، با مقدماتی که در دوره اول دبیرستان داشتم، به مطالعه در کتب درسی فرانسوی و کتاب‌های ریاضی معروف به اف. ژ. ام نیز مشغول شدم و از کتب لغت فرانسوی فارسی و فرانسوی عربی استفاده می‌کردم. چون پیوسته لازم بود که به کتب لغت مراجعه کنم چندین کتاب لغت در دست من از کثرت مراجعه پاره و اواراق شد.

مطالعه این کتاب‌ها و بازگو کردن مطالب آن‌ها در مجامع و محافل طلاب، عده‌ای را نسبت به من بدبین کرد و من می‌شنیدم که مراد

خفا به فرنگی مآبی و به اصطلاح امروز به غرب زدگی متهم می‌داشتند

و حتی شخصی، مرا مادی خوانده بود. اما بزرگان حوزه چنین نبودند و

من از ایشان کراهت و نفرت یا تعصبی ندیدم، برعکس، آقای خمینی

به رغم بعضی القائات متعصبان همچنان توجه خود را از من دریغ

نمی‌داشت و در همان رمضان سال ۱۳۲۱ مرا به جلسات بحث و

مطالعه در کتاب‌عبقات الانوار سید حامد حسینی لکهنوئی که شب‌ها

در منزل دوستان او تشکیل می‌شد، دعوت کرد.

گفت و گوی شهرآرا با دو پژوهشگر علوم اسلامی درباره تبیین اندیشه‌های قرآنی و اخلاقی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

امتداد مکتب روح‌ا...



دشمنان داخلی و خارجی و نیز این ویژگی را قبول داشتند. به مناسبت سی و سومین سالگرد حلت امام خمینی^(ع) در سوره ممتحنه، آیه ۸ می‌فرماید: «خدا شما را ویژگی از شخصیت امام راحل^(ع) پرداخته ایم. نخست تأثیر معارف قرآن در اندیشه‌های امام^(ع) و دیگر بررسی شخصیت اخلاقی ایشان که در آثار اخلاقی‌شان ظهور و بروز داشته است.

شناخت و بعد، آن را در صحنه زندگی آورد. مراد از به صحنه آوردن قرآن در زندگی، این است که مردم و مسئولان ما قرآنی بشوند و قرآنی عمل کنند. قرآن در سوره ممتحنه، آیه ۸ می‌فرماید: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نپهی نمی‌کند، زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.» یعنی نه تنها با کسانی که با شما نجنگیدند، پیکار نکنید، بلکه به آن‌ها نیکی هم بکنید و با آن‌ها به عدالت رفتار کنید. جامعه وقتی قرآنی می‌شود که در ابتدا مبلغان قرآن، خود عمل کننده به آیات قرآن باشند و رفتار قرآنی با دیگران داشته باشند، با مخالفان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بخوا همد، ما از نظر فرهنگی، سیاسی، بین المللی و... قرآنی باشد، باید به خود قرآن برگردیم و به آیات قرآن عمل کنیم. جامعه‌ای که قرآنی باشد، به خرافات و غلوها دامن نمی‌زند. در جامعه قرآنی، عالمان و فرهیختگان منزوی نیستند و مداحان و مجیزگویان بر صدر نمی‌نشینند. همان طور که عرض کردم، امام در حوزه‌های مختلفی، از جمله حوزه قرآن نظریاتی دارد. همچنین در کلام، فقه و اصول دیدگاه‌های بدیعی دارد. در حوزه اخلاق و سیر و سلوک و تربیت، نکات فراوان و ارزنده‌ای را مطرح فرموده است.

آثارش تعلق خاطر داشته و نشر آن‌ها را ضروری تر می‌دانسته است.

دلیل این نکته، بند ششم وصیت نامه ایشان است که در ۱۵ دی ماه ۱۳۵۶ برابر با ۲۵ محرم ۱۳۹۸ در نجف اشرف نوشته‌اند: کتب خطی این جانب را در صورت امکان، طبع کنند و اگر کسی خواست طبع کند در اختیار او بگذارند به طوری که ضایع نشود، خصوصاً کتب اخلاقی را. این نکته برجسته امام اکنون فراموش شده است و ما از بیت المال برای نشر آثار خود استفاده می‌کنیم. کتاب «اربعین حدیث، در چهارم محرم سال ۱۳۵۸ قمری تألیف شده است و کتاب‌های اخلاقی دیگر نیز همه تاریخ تألیف دارند. شاید چون «شرح دعای سحر» و «مصباح الهدایه، بسیار عرفانی است، نمی‌خواستند با جهت عرفانی معرفی شوند اما «اربعین حدیث»، «عقل و جهل» و کتاب‌های اصولی و فقهی مشکل نداشته‌اند. اکنون ما طلبه‌ها بابایی نداریم تا از وجوه بیت المال برای نشر کتاب‌های خود استفاده کنیم، در حالی که امام از این کار پرهیز داشتند، که شاید علت اینکه آثار علمی ما تأثیر چندانی ندارد، همین موضوع باشد.

علامه طباطبایی کتاب «المیزان» را نوشت که در تمام دنیا پخش شد و تأثیر عظیمی داشت، اما برای چاپ این کتاب از پول بیت المال استفاده نکرد، بلکه ناشر خصوصی آن را چاپ می‌کرد و یک حق التالیف جزئی به اومی داد تا نزدیکی خود را اداره کند.



سلطانی، مؤسس دارالتحفظ، حاج آقا توفیق خلیل زاده نیز در جلسه حاضر بوده‌اند.

را برلر زاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن سازد و جهان اسلام را به حرکت درآورد و به انسان‌ها بفهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. شخصیت امام دارای ابعاد گوناگون بود و در دوره‌ای به تناسب شرایط، بعدی از ابعاد وجود او نمایان می‌شد. ایشان، عظمت کار امام را به ارتباط ایشان با خدا و تهذیب نفس می‌داند که همه را برلر زاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن سازد و جهان اسلام را به حرکت درآورد و به انسان‌ها بفهماند که به بدرقه حضرت روح‌ا... شتافتند. رهبر معظم انقلاب به حق معتقد است حضرت امام خمینی (ره) همه خصال و نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه را با هم داشت و با این ویژگی‌ها بود که توانست تخت فرعون‌های زمانه

داشته باشیم. منظورشان از بازگشت، آوردن قرآن به صحنه زندگی و جامعه است، البته نه به این معنا که در دوره‌های گذشته قرآن خوانده نمی‌شد یا در خانه‌هایی بود که احترام نمی‌کردند، بلکه مردم به یادگیری قرآن اهتمام داشتند و سعی می‌کردند آن را حفظ کنند. اما قرآن در صحنه زندگی اجتماعی‌شان حضور کم‌رنگی داشت. امام خمینی^(ع) نیز جزو مصلحان دوره معاصر است که مسئله بازگشت به قرآن را مطرح کرد. بازگشت به قرآن، به این معناست که نخست قرآن باید شناخته و درست تبیین شود و دوم اینکه به آن فهم، درست عمل شود. حضرت امام^(ع) بحث مفصلی در باب جایگاه قرآن و عظمت آن در کتاب «آداب الصلاة» آورده است. من در تفسیر قرآن مجید بر چند نکته از آثار امام خمینی، در فصولی به عنوان جایگاه قرآن در نگاه امام، این بحث را تبیین کرده‌ام. یکی از کارهایی که امام در حوزه قرآنی و عرفانی انجام داده و قرآن و عرفان را به متن جامعه آورده و به نظر مکارشان بسیار شایان توجه است.

امام^(ع) برای اینکه ایده بازگشت به قرآن را عملی سازند، راهکارهایی داشتند. نخست اینکه باید قرآن را به خوبی

عمال رضاخان به کار کشنی پرداختند و در صدر بدهرم زند آن برآمدند، به طوری که سرانجام امام خمینی ناچار شد این جلسه را از مدرسه فیضیه به مدرسه حاج ملاصادق منتقل و به شکل محدودتری برگزار کند، تا آنکه دوران سیاه رضاخان به سر آمد و درس اخلاق امام، در فیضیه، با شکوه تمام مجدداً برگزار شد و در آنجا سالیان درازی (حدود هشت سال) ادامه یافت....

امام خمینی^(ع) خود به مناسبتی در این باره نوشته‌اند: علت اصلی توسعه این مجلس جلوگیری شدید پلیس رضا شاه بود از مطلق مجالس تعزیه و موعظه و امثال آن. از این جهت، مردم علاقه مند بودند و این جانب نیز درس خصوصی را به نحو عموم و عوام فهم توسعه دادم.

امام خمینی^(ع) در زمان پیروزی انقلاب با توجه به مرجعیتی که داشتند، نخواستند کتاب‌های علمی خود را از محل بیت المال، سهم امام یا با پول مریدان خاصی که داشتند چاپ کنند، و به همین دلیل آثار علمی ایشان تا زمان پیروزی انقلاب چاپ نشدند و اقدامی برای چاپ آن‌ها نمی‌کردند و نمی‌خواستند آثارشان را به رخ دیگران بکشند و از بیت المال صرف چاپ کتاب‌های خود کنند.

حضرت امام به آثار اخلاقی اش بیش از دیگر

نفر به استقبالش رفتند. صد‌ها هزار نفر جان و مال‌شان را فدای راهش کردند و میلیون‌ها نفر در تشییع جنازه‌اش، به بدرقه حضرت روح‌ا... شتافتند. رهبر معظم انقلاب به حق معتقد است حضرت امام خمینی (ره) همه خصال و نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه را با هم داشت و با این ویژگی‌ها بود که توانست تخت فرعون‌های زمانه

امام^(ع) قرآن را به متن جامعه آورد

حجت الاسلام دکتر سید محمد علی یازی متولد ۱۳۳۳ خورشیدی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن سطوح مقدّماتی به حوزه علمیه قم وارد شد و از درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی و فاضل لنکرانی بهره برد. او از همان سال‌های نخست ورود به حوزه، به تحقیق و پژوهش‌هایی

در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت سه سال در درس تفسیر آیت‌ا... خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری شرکت می‌کرد. اوسال هادر زمینه آرای فقهی و قرآنی امام خمینی^(ع) پژوهش‌های دقیق داشته و یکی از آثار منتشر شده او دوره پنج جلدی «تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی^(ع)» است.

دست یافتن به پژوهش‌های هر اندیشه‌ای آن گاه ممکن است که ما نقشه‌ای کامل از آن اندیشه داشته باشیم. باید ببینیم شخص در ابعاد گوناگون یک موضوع چگونه می‌اندیشیده و چه رفتار و منشی از خود نشان می‌داده است. در وصیت نامه حضرت امام، مطالبی‌به هر چند کوتاه درباره جایگاه قرآن آمده، البته داوری درباره اندیشه امام نیازمند بررسی همه آثار و گفته‌های ایشان است. حال اگر کسی به نوشته‌ها و گفته‌های امام، نگاهی به هر چند سطحی بفکند، به خوبی درمی‌یابد که او از جوانب و ان شیفتگان قرآن مجید است، آن چنان که در تاریخ زندگی ایشان آمده که سالیان دراز، صبح وشام، معتکف آستان این رشحه الهی بوده و تا تلاوت قرآن انس دائم داشته

و دیگران را تشویق به خواندن و تدبر در آیات آن می‌کرده است. از اهمیت و عظمت قرآن سخن می‌گفته و تأثیر حضور آن را در جامعه بازگو می‌کرده است، از مهجور بودن قرآن نج می‌برده و معتقد بوده‌از آنجا که قرآن در نظر گروهی منحصر به گفته‌های مفسران شده است و راه استفاده از قرآن را مسدود کرده‌اند

و تفکر و تدبر در آیات شریفه را تفسیر به رأی دانسته‌اند، مهجور مانده است.

اندیشه‌ای از صد سال پیش در میان مصلحان دینی به وجود آمد. آن‌ها معتقد بودند که ما باید بازگشت به قرآن

امام از بیت المال برای نشر آثارش بهره نبرد

حجت الاسلام رضامختاری سال ۱۳۴۲ در رضوان شهر اصفهان متولد شد. در سال ۱۳۵۶ برای تحصیل در حوزه علمیه به قم رفت. مقدمات تفسیر، فقه، اصول فقه، فلسفه و عرفان را از محضر استادان بنام حوزه، به ویژه حضرات آیات بهجت تبریزی، جواد آملی، حسن زاده آملی و... آموخت. وی در کنار تحصیل به تدریس و تألیف و تحقیق پرداخت. در سال ۱۳۷۸ مرکز تدوین و نشر متون در سی حوزه (متون) را تأسیس کرد که تا کنون ۱۵ کتاب در سی برای حوزه علوم دینی سامان داده و منتشر کرده است. همچنین در سال ۱۳۸۵، مؤسسه کتاب شناسی شیعه را با انگیزه معرفی دقیق آثار مکتوب شیعه با همکاری عده‌ای از دوستانش بنیان نهاد. در این گفت و گو به بررسی آثار اخلاقی امام که در طول سال‌های عمر شریفشان به رشته تحریر در آورده‌ند، پرداخته ایم.

پیشوای بزرگ و نام‌آوردوران معاصر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی^(ع)، علاوه بر فقه و اصول و دیگر علوم رایج حوزه‌ها، در دانش اخلاق و تزکیه و تهذیب نفوس، یدی طولایی داشت و بخش زیادی از عمر شریف خود را صرف تدریس اخلاق و تربیت و تزکیه و فضلا و طلاب و نیز تحقیق در مسائل اخلاقی و نگارش کتاب‌های سودمند اخلاقی کرد، به طوری که در این زمینه استادی ماهر و صاحب نظری مسلم و شخصیتی ممتاز و اثرگذار شناخته شد و دروس اخلاق و جلسات تهذیب او تأثیر مهمی بر مستمعان، به خصوص طلاب و فضلا، داشت.

امام خمینی^(ع) تدریس اخلاق در حوزه قم را از دوره سیاه رضاخان شروع کرد و تا مدتی پس از آن ادامه داد. جلسات

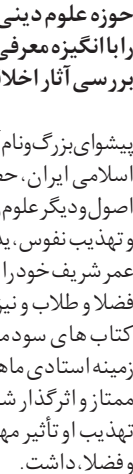
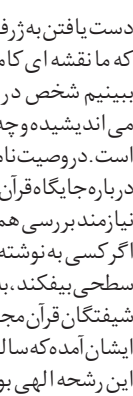
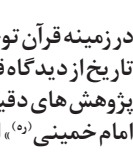
ماجرای یک دیدار

شهرآرا-اندیشه‌عباس سلیمی یکی از قاریان و استادان پیشکسوت بین المللی کشور مان است. او سال‌ها در عرصه‌های گوناگون بین المللی به تالوت قرآن پرداخته است. این استاد برجسته با در سال ۵۸ امام خمینی (ره) دیداری داشته است. در ادامه جزئیات این دیدار و نظر مشفقانه حضرت امام(ره) را از زبان او بخوانید.

به یاد دارم که چند ماهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی این توفیق و سعادت نصیب بنده شد تا به عنوان یکی از شاگردان قرآنی نظام پر افتخار جمهوری اسلامی ایران، عازم مسابقات بین المللی قرائت قرآن در کشور مالزی بشوم. به لطف خداوند بعد از حضور در مسابقات و اینکه در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی یک سرباز نظامی از نیروهای مسلح این انقلاب، توفیق شرکت در مسابقات را پیدا کرده بود، خداوند تفضل کرد و تبه اول مسابقات بین المللی قوائت قرآن نصیب جمهوری اسلامی ایران شد. خوشحالی من از این بود که

امید حسینی نژاد

«تجلیل از امام بزرگوار ما فقط به عنوان یک قدر دانی و تجلیل از گذشته نیست، بلکه به معنای اصرار و پافشاری بر آن خطوره‌ای است که امام بزرگوار با انقلاب خود، با قیام خود، با سیره خود، با درس‌های خود، با وصیت نامه خود، برای ملت ایران و همه مسلمانان عالم باقی گذاشت. امام به عنوان یک الگو، به عنوان یک معلم، به عنوان یک رهبر، در ذهن ما و در واقعیت جامعه ما حضور دارد. جسم او نیست، اما فکر او هست، راه او هست، درس او هست و این درس، همان چیزی است که ملت ایران و همه مسلمانان عالم به آن احتیاج دارند، دیروز هم احتیاج داشتند، امروز هم احتیاج دارند. لذا درس امام زنده است، راه امام زنده است، خط امام زنده است. انگشت اشاره امام جلو چشم همه است. اگر ما بخواییم این درس را برای مسلمانان عالم خلاصه کنیم، این خلاصه عبارت است از بازگشت به اسلام ناب، اسلامی که می‌تواند برای مردم و ملت‌ها همه چیز را به ارمغان آورد... این بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در توصیف و تبیین شخصیت والای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی^(ع)، است. ایشان پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از رحلت این بزرگ مرد دوران هنوز هم برای تبیین خط اسلام حقیقی، مردم را به راه‌رویش و سیره امام بزرگوار توصیه می‌کنند. در میان رهبران سیاسی جهان تا به امروز، کمتر شخصیتی به جامعیت امام خمینی (ره) بروز کرده است. شخصیتی استثنایی و اسطوره‌ای که توانست از یک جمع پریشان و پراکنده، یک امت متحد بسازد و بزرگ‌ترین انقلاب قرن را برپا کند. و باز به علت همین جامعیتش بود که میلیون‌ها



رضاخان شروع کرد و تا مدتی پس از آن ادامه داد. جلسات

شهرآرا

روایت دکتر عباس زریاب‌خوئی از سال‌ها شاگردی در محضر امام(ره)

شهرآرا



اندیشه

شهرآرا



رضاخان شروع کرد و تا مدتی پس از آن ادامه داد. جلسات